

# تاریخ سامانیان

◉ غلامرضا آذری خاکستر



◉ تاریخ سامانیان (عصر طلایی ایران بعد از اسلام)

◉ تألیف: دکتر جواد هروی

◉ ناشر: امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۱

مطالعات سامانی‌شناسی در دهه گذشته با تحقیقات محققان و برگزاری مجمع علمی تمدن سامانیان و گسترش روابط متقابل ایران با محققان و مراکز علمی آسیای میانه، به ویژه کشور تاجیکستان، رونقی مضاعف گرفته است. در سال‌های اخیر همچنین کتاب‌ها، مقالات و تحقیقات متعددی درباره سامانیان به علاقه‌مندان عرضه شده است. یکی از این تألیفات، پژوهش آقای دکتر جواد هروی با عنوان تاریخ سامانیان است که در این نوشتار به بهانه انتشار مجدد آن که با اضافات و افزوده‌های فراوان همراه است، معرفی می‌گردد.

نویسنده، کتاب را به پنج مقطع متمایز تقسیم نموده است:

۱. دوران حاکمیت محلی و استقرار آغازین (۲۰۴-۲۶۱ هـ / ۸۱۹-۸۷۵ م)
۲. دوران تثبیت و اقتدار در منطقه ماوراءالنهر (۲۶۱-۳۰۱ هـ / ۸۷۵-۹۱۴ م)
۳. دوران طلایی و رستاخیز فرهنگی - تمدنی نصر دوم (۳۰۱-۳۳۱ هـ / ۹۱۴-۹۴۳ م)
۴. دوران تنزل اقتدار سیاسی - نظامی (۳۳۱-۳۶۵ هـ / ۹۴۳-۹۷۶ م)
۵. دوران فروپاشی و اضمحلال (۳۶۵-۳۹۵ هـ / ۹۷۶-۱۰۰۵ م)

بر این مینا مباحث کتاب حاضر در پنج بخش اصلی فراهم آمده است. ضمن این که از پیشگفتار، دیباچه و سخنی درباره برخی منابع و تبارنامه سامانیان نیز برخوردار است.

## بخش اول: سامانیان و استقرار در شرق

### فصل اول: بررسی جایگاه و موقعیت سامانیان:

۱. عملکرد سامانیان در بوته نقد اندیشمندان سلف: نویسنده با تکیه بر مستندات تاریخی اعم از نظم و نثر به بررسی دیدگاه‌های نویسندگان پرداخته و با آوردن ابیاتی از رودکی، عنصری، کسای، مروزی و خاقانی بر عدم وجود مدح در اشعار شاعران این دوره تأکید کرده، سپس با بررسی نوشته‌های مورخان و جغرافیدانان پیشین به بیان دیدگاه آنان در ارتباط با دودمان سامانی پرداخته است و اما چرا نویسندگان نسبت به سامانیان عنایت خاص داشته‌اند؟ پاسخ به این سؤال به اعتقاد دکتر هروی به نحوه عملکرد سامانیان برمی‌گردد. نویسنده در تمجید از سامانیان تا آنجا پیش رفته که عصر سامانی را «عصر عطش علم و دانش» نامیده و در ادامه به بررسی دیدگاه محققان معاصر، چون دکتر حمید عنایت، پروفیسور پوپ، جوتل کرمر، ریچارد فرای، بارتولد و نعمت اف، در مورد سامانیان پرداخته است.

از جمله ویژگی‌های منحصر کتاب تاریخ سامانیان توجه نویسنده به

آراء و دیدگاه‌های نویسندگان (پیشین و معاصر) و تحلیل و بررسی عمیق منابع اصلی و فرعی است.

#### خراسان بزرگ، قلمرو سیاسی دولت سامانیان:

نویسنده در این گفتار به بررسی مرزهای خراسان بزرگ در عهد سامانیان پرداخته می‌نویسد: خراسان عهد سامانیان بر کنار از چنین وضعیتی در آغاز به جای میدان ستیز و جنگ، عرصه تعامل افکار و ارتباط فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بود.

شالوده قدرت سیاسی و نظامی سامانیان در قلمرو خراسان بزرگ در عین ضمانت حیات فکری و فرهنگی ملیت‌ها و اقوام متنوع و متعدد، مبتنی بر صلح و آرامش بود. در ادامه دکتر هروی با بررسی جایگاه شهرهای مهم خراسان چون: نیشابور، بلخ، بخارا و سمرقند به توصیف مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هریک از این شهرها با دولت سامانی پرداخته و نقش این مناطق را در تحولات عصر سامانی بررسی نموده است.

#### تحلیلی بر مناسبات دولت سامانیان و خلافت عباسیان:

بنابر نوشته‌های دکتر هروی ارتباط سامانیان با عباسیان به دو صورت دینی و سیاسی نقش بسته است و این ارتباط را در چهار مرحله متمایز از یکدیگر، می‌توان بررسی کرد:

۱- از ابتدای قدرت یابی و امارت سامانیان تا آغاز قرن چهارم.  
۲- عصر امارت نصر بن احمد سامانی و تحولات سیاسی - نظامی و فکری فرهنگی روزگار او.

۳- از آغاز حکومت نوح دوم تا پایان خلافت الطایع بالله عباسی (۳۳۱-۳۸۱ هـ).  
«در طی این دوره پنجاه ساله از سوی سامانیان تلاش بسیاری جهت ترمیم رشته مودت و پیوند با عباسیان صورت گرفت. لیکن این تلاش‌ها هیچگاه به ثمر ننشست. دلایل این ناکامی در حوادث و رخداد‌های سیاسی - نظامی و مذهبی خلافت و استیلای دیلمیان آل بویه بر شهر بغداد نهفته بود».

۴- عصر پایان این مناسبات از روزگار خلافت القادر بالله و منصور دوم (۳۸۷ هـ) تا پایان حیات دولت سامانی.

#### فصل دوم: پیشینه و خاستگاه آل سامان:

دکتر هروی، در این بخش به بررسی تبار و نسب سامانیان می‌پردازد. از دیدگاه مؤلف، عللی که مورخان، نسب سامانیان را به بهرام چوبین می‌رسانند، حوزه مکانی، روحیه سلحشوری، چهره مردمی و به‌کارگیری اصالت و تبار است. چنین به نظر می‌رسد که تاکنون هیچ یک از نویسندگان در ارتباط با تبار سامانیان، اطلاعات دقیق و موثقی به دست نداده‌اند. بلکه بیشتر بر اساس حدس و گمان، به نگارش پرداخته‌اند.

از دیگر ویژگی‌های ممتاز کتاب، ذکر روایات مختلف در ارتباط با شخصیت یا موضوعی خاص است بدین‌گونه که مؤلف، هم روایت‌های موافق و هم مخالف را نقل می‌کند. نیز بررسی علل وقایع و نتیجه‌گیری منطقی از مباحث مطروحه، انسجام خاصی به نوشته‌های دکتر هروی داده است.

#### بخش دوم: دوران اقتدار سیاسی - نظامی سامانیان:

نویسنده در این بخش به شخصیت امیراسماعیل توجه کرده از خوبی‌ها و محاسن و عدالت، بذل و انصاف و رعیت پروری امیراسماعیل سخن گفته است.

#### بخش سوم: نصر دوم و عصر طلایی سامانیان:

بخش سوم به زندگی و تحولات سیاسی - نظامی دوران نصر دوم اختصاص دارد. نویسنده با مراجعه به منابع دست اول و برخی از تحقیقات، شمه‌ای از زندگی و خصایص نصر دوم را نگاشته است. سپس با بررسی زندگی وزیری چون ابو عبدالله محمد بن احمد جیهانی، ابوالفضل بلعمی، ابوعلی جیهانی و ابوطیب مصعبی و اقدامات اساسی این وزرا، همچنین با تأکید بر عصیان‌های این دوره (اسحاق بن احمد در سمرقند، حسین بن علی مرورودی و عصیان برادران امیرنصر و...) و چگونگی دفع این شورش‌ها، سعی کرده چهره واقعی عصر طلایی سامانیان را به تصویر کشد. دکتر هروی تلاش کرده با بررسی اشعار این دوره، مدح و ستایش امیران را در اشعار شاعران سامانی کاملاً میرا نموده و بارها عدم مدح و ستایش را از خصایص شاعران دربار سامانی ذکر کرده است. مؤلف هرچند دوران نصر دوم را عصر طلایی سامانیان می‌داند، اما امیر اسماعیل را، بنیانگذار چنین شکوهی در فرزاندگی می‌داند.

به کارگیری خدمتگزاران برجسته و وزیران باتدبیر، سپهسالاران صادق و وفادار، توافق میان حکومت مرکزی و حکام محلی، دانش نظام مملکت‌داری ممتاز، بروز انقلاب علمی و فرهنگی از شاخصه‌های عصر طلایی سامانیان برشمرده شده است.

هرچند نویسنده با نگرشی همه سویه، تحولات سیاسی - نظامی سامانیان را مورد بررسی قرار داده، لیکن فقدان بخشی راجع به نظام اداری - مالی، ادبیات و علوم، هنرها، سکه‌شناسی و طبقات اجتماعی از کاستی‌های کتاب به حساب می‌آید. همچنین عدم استناد نویسنده در برخی از موضوعات نیاز به بازنگری دارد.

بخش چهارم و پنجم به دوران تنزل و فروپاشی دودمان سامانی اختصاص دارد. نویسنده با نگرش کلی به دوران فرمانروایی نوح دوم، عبدالملک اول و منصور اول به علل تضعیف امیرسامانی در برابر طغیان ابوعلی چغانی و آغاز کشمکش‌های نظامی با دولت نوپای آل بویه که بر بغداد چیرگی یافته بودند، می‌پردازد.

نویسنده در فصل دوم به بررسی دلایل بی‌ثباتی امارت عبدالملک اول و نحوه قدرت یابی عناصر ترک و تغییر پیاپی وزرا به دلیل عدم ثبات سیاسی می‌پردازد.

پایان بخش کتاب به بررسی‌هایی در زمینه علل سقوط سامانیان به ویژه مواردی چون منازعات میان عناصر نظامی، هجوم قراخانیان ترک، سقوط بخارا و خاندان سیمجوری و قدرت یابی غزنویان در خراسان اختصاص دارد.